

## رابطه بین میزان باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی

محمد تقی ضیایی بیگدلی<sup>\*</sup>، صمد کلانتری<sup>\*\*</sup>، محمدباقر علیزاده اقدم<sup>\*\*\*</sup>

**طرح مسئله:** در این مطالعه رشد جمعیت و سطح باروری و ارتباط آن با توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی کشورهای مختلف جهان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران مورد بحث قرار می‌گیرد.

**روش:** روش بررسی در این مطالعه تلفیقی از روش کتابخانه‌ای و تحلیل ثانویه است و داده‌های جمعیتی و آماری از نشریات سازمانهای جهانی از قبیل صندوق جمعیت سازمان ملل متحد، یونسف، بانک جهانی و مرکز آمار ایران اخذ و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS، ارتباط بین متغیرهای طرح شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

**یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر اندازه سطح توسعه یافتگی کشوری بالا باشد به همان اندازه میزان زاد و ولد و در نتیجه رشد جمعیت آن کشور کمتر است. در حقیقت می‌توان گفت که بهترین فرصت ضدبارداری، توسعه اقتصادی است.

**نتایج:** رابطه بین توسعه یافتگی و نرخ زاد و ولد همان گونه که در این پژوهش نشان داده شده است یک رابطه معکوس می‌باشد؛ یعنی در مناطق محروم جهان و در سطح ایران و استانهای کشور این رابطه به خوبی نمایان است. استانهای برخوردار از رفاه و توسعه، شاهد میزان رشد جمعیت کمتری هستند.

**کلیدواژه‌ها:** اقتصاد، باروری، جمعیت، خانوار، رفتار مصرف‌کننده، نرخ مولید

\* دکتر مدیریت دولتی، عضو هیئت علمی دانشکده امور اقتصادی <mbigdeli@eri.ir>

\*\* دکتر جامعه‌شناس، عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان

\*\*\* دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، عضو هیئت علمی دانشگاه تبریز

## مقدمه

جمعیت و مسائل مربوط به آن، از جمله مسائل چندبعدی و پیچیده جوامع انسانی است که هم تحت تأثیر عوامل اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، سیاسی و... می‌باشد و هم تأثیرگذار بر آن، می‌توان گفت که مسائل جمعیتی و تغییر و تحولات مربوط به آن به قدری گسترده و دارای پراکندگی است که تحت‌الشعاع و زیر سیطره یک نظریه یا فرمول خاصی قرار نمی‌گیرد بلکه حرکات جمعیتی خاص در یک جهت ویژه احتمالاً در شرایط زمانی و مکانی متفاوت، علل مختلف و متنوع و بعضاً متضاد داشته است. به عبارتی، جمعیت و مسائل مربوط به آن به عنوان یک مسئله اجتماعی از جمله مسائلی است که بیشترین تشتت‌آرا را در این زمینه به دنبال دارد. و دولتها نیز در مقابل این مسئله، سیاستهای جمعیتی متعدد و متنوعی دارند. مثلاً پدیده باروری یکی از ابعاد مهم جمعیتی است که در بعضی از کشورها برای بالابردن میزان آن، سیاستهای تشویقی اعمال می‌شود و در جامعه یا کشور دیگری به سبب بالارفتن آن، سیاستهای تنبیهی اعمال می‌گردد: در این مورد می‌توان از کشور چین که سیاست تک فرزندی و کشورهای اروپای غربی که سیاست تشویقی را اعمال می‌کنند نام برد.

همچنین قطعیت و ثبات در مسائل جمعیتی، کاربرد چندانی ندارد و برای تعیین ابعاد آن نمی‌توان از یک علت خاص استفاده کرد و از طرف دیگر رابطه علی ثابت و همیشگی بین متغیرهای آن وجود ندارد. ممکن است علت خاصی در یک زمان خاص باعث بالارفتن میزان باروری باشد و در یک زمان دیگر آن علت جای خود را به علت یا علل دیگری بدهد.

درواقع یکی از مسائل مهمی که در سالهای اخیر نظر اقتصاددانان غربی را به خود مشغول داشته است تبیین ارتباط بین رشد جمعیت و توسعه اقتصادی بوده است. مسئله اصلی در این بحث این است که معلوم شود، کدام یک علت است و کدام یک معلول، به بیان دیگر آیا رشد و توسعه اقتصادی سبب ایجاد کندی یا تسریع در رشد جمعیت می‌شود یا این رشد جمعیت است که سبب کندی یا تسریع در رشد و توسعه اقتصادی

می‌گردد؟ پس سؤال اساسی دانستن این است که رابطه بین توسعه اقتصادی و اجتماعی و رشد جمعیت چیست؟ این رابطه به چه میزان قدرتمند است و در چه جهتی عمل می‌کند؟

اینکه جوامع انسانی هر اندازه از لحاظ توسعه اقتصادی و اجتماعی محروم‌تر باشند به همان اندازه پرولادتر هستند امروزه یک امر بدیهی به شمار می‌آید. پس اینکه عدم توسعه اقتصادی و اجتماعی و میزان مولید همدوش و همراه هم هستند جای هیچ‌گونه بحث و تردیدی نیست. ولی موضوعی که امروزه جای بحث و تردید دارد، تقدم و تأخر این دو پدیده نسبت به همدیگر است. این موضوعی دیرین و در بین جمعیت‌شناسان گذشته نیز همواره مورد بوده است.

مالتوس و طرفدارانش، فقر و تنگدستی را معلول ازدیاد جمعیت می‌دانستند و تفکرشان بر این بوده است که با ازدیاد جمعیت، منابع غذایی و رفاهی محدودتر می‌شود و رشد جمعیت باعث علیل‌تر شدن خانواده‌های پرولاد می‌شود. طرفداران مالتوس بر این باورند که برای از بین بردن فقر باید سطح باروری پایین بیاید و نیز آنان مهار جمعیت را راهی فرار از این مشکل و مسئله اجتماعی قلمداد می‌کردند. (Charle, 1983: 176-177)

ولی در مقابل آن افرادی هم اعتقاد داشتند که فقر علت ازدیاد جمعیت است؛ به عبارتی این فقر و عدم توسعه‌یافتگی است که منجر به افزایش جمعیت می‌شود و برای حل این مسئله و مهار جمعیت باید ابتدا فقر را مهار کرد و زمینه را برای توسعه اقتصادی و اجتماعی مهیا کرد. افرادی همچون خوزوئه دوکاسترو و نیز طرفداران نظریه رفتار مصرف‌کننده در این ردیف قرار می‌گیرند. اینکه آیا دوکاسترو به واقعیت نزدیک است یا طرفداران مالتوس، هدف این مقاله نیست. در این مقاله، عقاید و نظریات یاد شده به چالش کشیده خواهد شد. بنابراین سؤال اساسی که در اینجا مطرح است این است که آیا رابطه‌ای بین میزان توسعه‌یافتگی و نرخ زاد و ولد در بین استانهای کشورمان وجود دارد؟ و در صورت وجود رابطه، چگونه می‌توان رابطه مورد نظر را تبیین کرد؟

## ۱) چارچوب نظری

### ۱-۱) نظریه رفتار مصرف‌کننده و اقتصاد باروری خانوار

براساس این نظریه فرض بر این است که رفتار انسان اقتصادی و معقول بوده و چون تصمیم برای بچه‌دار شدن نیز منشأ اقتصادی دارد، لذا نظریه رفتار فرد مصرف‌کننده در مورد انتخاب بچه‌دار شدن نیز به کار گرفته شده است. نظریه میکرو اقتصادی باروری بر این فرض استوار است که به دلایل زیاد، کودکان همانند سایر کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای به حساب می‌آیند.

بنابراین تقاضا برای بچه‌دار شدن در مقیاس یک خانوار، تحت تأثیر موارد زیر قرار می‌گیرد:

الف - تعداد فرزندان که می‌توانند زنده بمانند (معمولاً جنس مذکر؛ در برخی از مناطق، والدین بیش از تعدادی که مایل به داشتن آن هستند فرزند به دنیا می‌آورند، چون می‌دانند که بعضی از آنها زنده نمی‌مانند.

ب - هزینه پرورش آنها.

ج - سطح درآمد خانوارها.

باید توجه داشت که در تصمیم‌گیری، والدین فرزندان اول و دوم و حتی فرزند سوم می‌توانند نقش کالای مصرفی را بازی کنند. در این نظریه فرض بر این است که تقاضای سه بچه اول قطعی و مقطوع است و اغلب با عوامل مصرفی فرهنگی تعیین می‌شود.

ولی اخذ تصمیم در مورد داشتن یک بچه بیشتر (چهارم به بعد)، دیگر تابع عوامل اقتصادی است که پدر و مادر هزینه به‌وجود آمدن و منافع مالی آینده آنها را با هم مقایسه می‌کنند که در اینجا منافع همان درآمد حاصل از کار کودک در مزرعه و یا کمک مالی وی در هنگام پیری والدین است و هزینه داشتن فرزند بیشتر شامل دو مورد زیر می‌شود:

(۱) هزینه فرصتی وقت مادر؛ یعنی اگر برای نگهداری فرزند در خانه نماند و به

کار خارج از خانه مشغول شود چه مقدار درآمد عایدش می‌شود.

(۲) هزینه تعلیم و تربیت آنها؛ یعنی مقایسه بین فرزند کمتر با کیفیت علمی بیشتر و فرزند بیشتر با کیفیت علمی کمتر، انتخاب کدام یک درست تر است. به کار گرفتن طرز تفکر سنتی رفتار مصرف‌کننده در مورد باروری خانوار در سطح اقتصاد خرد به این نتیجه منجر می‌شود که هرگاه قیمت یا هزینه فرزندان به علت افزایش تحصیلات یا فرصتهای اشتغال زنان یا افزایش در شهریه مدارس یا برقراری قانون مربوط به حداقل سن کودکان برای کار یا برقراری سیستم پرداخت بیمه سالمندان و غیره افزایش پیدا کند، آنگاه والدین فرزندان کمتری را تقاضا خواهند کرد، در حقیقت والدین کیفیت زندگی فرزندان را بر تعداد آنان ترجیح خواهند داد. بنابراین ملاحظه می‌شود که یک روش برای کم کردن تعداد فرزندان یک خانوار ایجاد فرصتهای اشتغال با مزد بیشتر برای زنان جوان و ایجاد فرصتهای آموزشی بیشتر می‌باشد (تواناییان فرد، ۱۳۶۸: ۱۱۶).

## ۱-۲) نظریه منزلت اجتماعی

یکی از نظریه‌هایی که در زمینه باروری و میزان آن ارائه شده است، نظریه منزلت اجتماعی است در این نظریه متفکران و اندیشمندان، میزان باروری هر خانوار و جامعه را مبنی بر جایگاه و منزلت والدین و یا ساکنان آن جامعه می‌دانند. خانواده با توجه به پیشرفت و ترقی حاصل شده در جامعه و موقعیتی که به عنوان یک عضو دارا می‌باشد به فرزندآوری می‌اندیشد. حال اگر آوردن فرزند باعث تحرک صعودی خانواده شود آن را ادامه می‌دهد، ولی اگر فرزندآوری را مانع پیشرفت و توسعه و موقعیت اجتماعی خانواده بداند آن را به طرق مختلف مهار می‌نماید (رشیدی، ۱۳۷۹: ۴).

## ۱-۳) نظریه جریان ثروت کالدول

از دیدگاه نظریه جریان ثروت کالدول، مفهوم تقاضای اقتصادی برای بچه با انتقال

فرهنگی عقاید و ارزشهای غربی که نهایتاً به کاهش تقاضا منجر می‌شود پیوند می‌خورد. فرض اساسی کالدول این است که جوامع در هر سطحی از فرایند توسعه که باشند با توجه به ملاحظات اقتصادی و غیراقتصادی، رفتار باروری آنان عقلانی است (اکتایی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۴).

وی نظام باروری را به دو قسمت باروری قبل از انتقال و بعد از انتقال در نظر می‌گیرد. وی درباره نظام تولیدی نیز دو نوع تقسیم‌بندی ارائه می‌دهد:

- نظام تولید خانوادگی با باروری بالا؛

- و نظام تولید سرمایه‌داری با باروری پایین.

وی خاطر نشان می‌کند که این دو نظام بر روی یک طیف قرار دارند و نظامهای این دو حد متغیر و ناپایدار هستند. به نظر وی در باروری قبل از انتقال، فرزندان جزء منابع خالص والدین می‌باشند، اما در نظام یا مرحله بعد از انتقال، فرزندان جزء هزینه خالص محسوب می‌شوند.

انسلی کولی (Ansley Coly) سه شرط را برای کاهش باروری لازم می‌داند.

- قبول و انتخاب عقلانی به عنوان یک عنصر متغیر در کاهش باروری؛

- درک امتیازات کاهش باروری؛

- و کسب آگاهی و مهارت در استفاده از وسایل و فن‌آوریهای مهار باروری (اکتایی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۴).

## ۲) روش

### ۲-۱) سؤال اصلی پژوهش

رابطه بین نرخ باروری کل با توسعه اقتصادی و اجتماعی چیست؟ و کدام یک علت و کدام یک معلول است؟

## ۲-۲) جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه کشورهای جهان تشکیل می‌دهند که در این میان عنایت ویژه به استانهای ایران شده است.

## ۲-۳) متغیرهای پژوهش

در تحقیق حاضر سطح و یا میزان باروری کل متغیر وابسته بوده است و ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی کشورها، متغیرهای مستقل را تشکیل می‌دهد.

## ۲-۴) تعریف مفاهیم و اصلاحات

- میزان باروری کل<sup>۱</sup> عبارت است از تعداد کل کودکانی که یک زن در طی دوران باروری خود (۱۵-۴۹ ساله) در یک جامعه معین به دنیا می‌آورد.

- توسعه اقتصادی و اجتماعی با توجه به رتبه‌بندی کشورها براساس شاخص توسعه منابع انسانی (HDI) سازمان ملل متحد مدنظر بوده و در این رتبه‌بندی، متغیرهای امید زندگی، درآمد، سواد مورد توجه قرار گرفته‌اند و در ضریب‌بندی استانهای کشور بر حسب میزان توسعه‌یافتگی، شاخصهایی نظیر میزان اشتغال، میزان اشتغال صنعتی، نسبت وابستگی، میزان باسوادی شاغلان و درآمد، میزان شهرنشینی، میزان باسوادی زنان و سهم زنان از کار اشتغال مورد عنایت قرار گرفته است.

## ۲-۵) روش جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش از داده‌های منتشر شده از سوی سازمانهای بین‌المللی و مرکز آمار ایران تشکیل شده است.

1. Total Fertility Rate

## ۲-۶) روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این تحقیق داده‌های جمع‌آوری شده از طریق اینترنت و انتشارات سازمانهای جهانی در جداول متعدد جمع‌آوری شده و سپس به شیوه تحلیل ثانویه و به کمک نرم‌افزار آماری SPSS، همبستگی بین متغیر وابسته و متغیر مستقل با ضریب همبستگی پیرسون (r) محاسبه گردیده است.

## ۳) یافته‌ها

### ۳-۱) جمعیت جهان و روند افزایش آن

با نگاهی گذرا به روند افزایش جمعیت جهان درمی‌یابیم که بیشترین سهم رشد جمعیت جهان متعلق به کشورهای کمتر توسعه یافته است، در حقیقت، توان گفت که بین توسعه اقتصادی و اجتماعی جوامع و میزان باروری آنان یک رابطه معکوس وجود دارد. به دیگر بیان با بالا رفتن میزان توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها، میزان باروری و رشد جمعیت پایین‌تر می‌آید. این امر مربوط به یک دهه خاص نیست، بلکه در پیش‌بینیهای جمعیتی نیز این رابطه برقرار است. داده‌های سازمان ملل متحد مربوط به جمعیت جهان و روند رشد آن بیانگر این واقعیت است که اولاً میزان باروری در جهان، روندی رو به کاهش دارد، و ثانیاً تفاوت رشد باروری کل در بین کشورها براساس توسعه‌یافتگی آنها مشهود است؛ به عبارتی چه در پیش‌بینیهای حد پایین و چه در پیش‌بینیهای حد بالا یا متوسط، رشد باروری کل و در کل، آهنگ رشد جمعیت در بین کشورهای با کمترین توسعه، بالاترین میزان را دارد. همان‌گونه که در پیش‌بینیهای جمعیتی و در حد پایین آن مشاهده می‌شود، رشد جمعیت همه کشورها منفی برآورد شده ولی باز این رشد برای کشورهای با کمترین توسعه بین سالهای ۲۰۴۵ و ۲۰۵۰ مثبت یعنی ۰/۷۶ درصد می‌باشد. گرچه آمار و ارقام ارایه شده در نسبت توسعه اقتصادی و اجتماعی با میزان باروری



در سطح بین‌المللی و فراملی بوده است، آمار و ارقام یکایک کشورها به صورت منطقه‌ای نیز وجود این رابطه را تقویت می‌کند.

به طوری که در تحقیق انجام گرفته در هندوراس مشخص شده است، زنانی که از نظر موقعیت اقتصادی و اجتماعی در سطح بالایی قرار دارند، همان تعداد بچه‌هایی را به دنیا می‌آورند که آرزوی آن را می‌کنند. ولی برعکس زنانی که در موقعیت اقتصادی و اجتماعی بالایی قرار ندارند، تعداد بچه‌هایی که به دنیا می‌آورند زیادتر از آن تعدادی است که می‌خواهند. در حقیقت طبقه اخیر با مسئله کودکان ناخواسته مواجه‌اند. این توضیح لازم است که تا چند سال پیش حدود ۴۰ درصد نوزادان زنده به دنیا آمده در ایران، جزء کودکان ناخواسته گزارش شده‌اند.

درواقع علاوه بر اینکه مسئله زاد و ولد (ازدیاد یا محدود کردن) و نیز آرزوی زنان برای داشتن فرزندان بیشتر از حیث طبقاتی متفاوت است، زنان طبقات پایین آرزوی داشتن فرزندان بیشتری نسبت به زنان طبقات بالا دارند.

دنيس رانگ از جمله پژوهشگرانی است که در میان عوامل مؤثر بر نابرابری میزان زاد و ولد در میان طبقات، به پایگاه اجتماعی و اقتصادی فرد یا گروه بیش از سایر عوامل توجه داشته است. به نظر وی در میان همه گروه‌های اجتماعی که از نظر میزان زاد و ولد متفاوت‌اند، شاید تفاوت رفتاری طبقات اجتماع از این لحاظ از همه بارزتر باشد. مطالعات دنيس رانگ نشان می‌دهد که در یک دوره چهار ساله از سال ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۰ در ایالات متحده آمریکا و در اروپا، میزان زاد و ولد از طبقه‌ای به طبقه دیگر متفاوت بوده و عموماً با طبقه همبستگی منفی داشته است؛ یعنی با بالا رفتن طبقه فرد، میزان زاد و ولدش پایین‌تر آمده است؛ هرچند که به نظر دنيس رانگ از سال ۱۹۱۰ به بعد تغییراتی در این زمینه مشاهده شده است (تامین، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

تحصیلات یکی از شاخصهای تعیین طبقه اجتماعی است، و وجود تفاوت در میانگین تعداد فرزندان بر حسب وضعیت تحصیلی مادران در کشور ایران نیز مؤید نظر دنيس رانگ است. جدول ۱ میانگین تعداد فرزندان بر حسب وضعیت تحصیلی را در سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۰ در کشور ایران نشان می‌دهد.

جدول ۱: میانگین تعداد فرزندان برحسب وضعیت تحصیلی در سالهای ۱۳۷۰، ۱۳۷۳ و ۱۳۸۰ در کشور ایران

سالهای تحصیلات مادر	۱۳۷۰	۱۳۷۳	۱۳۸۰
بی سواد	۵/۲	۴/۷	۵/۴
چهارم ابتدایی	۳/۸	۳/۴	—
پنجم ابتدایی	۲/۸	۲/۵	۲/۸
سیکل	۲/۳	۲/۲	۲
دیپلم	۱/۲	۱/۹	۱/۶
بالتر از دیپلم	۱/۸	۱/۷	۱/۵

(منبع: رسولی، ۱۳۸۲: ۱۰۱)

## ۲-۳) باروری در ایران

آنچه در ارتباط با میزان باروری کل در ایران می‌توان بیان کرد، پایین آمدن سرعت میزان یاد شده بین سالهای ۱۹۷۷ و ۲۰۰۰ است. به طوری که از نظر کاهش میزان باروری، ایران به عنوان یک کشور اسلامی، شرایط منحصر به فردی دارد. سرعت کاهش باروری در ایران تا حدی بوده که این کاهش از پیش‌بینیهای جمعیتی و برنامه‌های تنظیم خانواده که توسط دولت از سال ۱۹۸۹ میلادی آغاز شده بود، پیشی گرفته است.

مطالب جدول فوق نشان می‌دهد که تغییر میزان کل باروری فقط یک پدیده شهری نیست و در مناطق روستایی نیز این امر نمایان است و حتی این تغییر در مناطق روستایی شدیدتر از مناطق شهری است؛ هرچند که میزان کل باروری یعنی میانگین تعداد بچه برای هر زن به طور متوسط در مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری در سطح بالایی قرار دارد. همچنین مطالب جدول فوق نشان می‌دهد که زنان روستایی در زمینه استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری بر شهریها تقدم دارند.

جدول ۲: تغییر در میزان باروری کل و استفاده از وسایل جدید پیشگیری از بارداری در بین مناطق شهری و روستایی ایران در سال ۲۰۰۰ میلادی

مناطق	۱۹۷۷	۱۹۹۶	۲۰۰۰	درصد تغییر از ۱۹۷۷-۱۹۹۶	درصد تغییر از ۱۹۷۷-۱۹۹۶	درصد استفاده زنان از وسایل پیشگیری مدرن
شهری	۴/۵	۲/۲	۱/۸	۵۱	۱۸	۵۵
روستایی	۸/۱	۳/۵	۲/۴	۵۷	۳۱	۵۷
کل	۶/۶	۲/۸	۲	۵۸	۲۹	۵۶

(Tarmann: 2005)

جدول ۲ میزان کل باروری را بر حسب مناطق شهری و روستایی نشان می‌دهد، اگر بخواهیم میزان کل باروری را بر حسب استانها ذکر کنیم، میزان تغییر در باروری کل مشهودتر خواهد گردید و علاوه بر مشهود بودن کاهش باروری به اطلاعات معتبر دیگری نیز خواهیم رسید. جدول ۳ میزان کل باروری را بر حسب استانهای کشور از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۰ نشان می‌دهد.

جدول ۳: میزان کل باروری استانهای کشور از سال ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۰ میلادی براساس

شاخصهای 2000 IDHS

ردیف	استانها	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵	۱۹۹۶	۱۹۹۷	۱۹۹۸	۱۹۹۹	۲۰۰۰
۱	تهران	۲/۴	۱/۹	۲/۱	۲/۳	۱/۵	۱/۶	۱/۶	۱/۶	۱/۷	۱/۴
۲	اصفهان	۳/۹	۳/۲	۲/۹	۲/۶	۲/۲	۲/۲	۲/۱	۲/۱	۱/۹	۱/۷
۳	یزد	۴/۴	۳/۸	۳/۷	۲/۷	۲/۷	۲/۳	۲/۵	۲/۴	۲/۳	۲/۲
۴	آذربایجان شرقی	۵	۴/۳	۳/۴	۳/۳	۳/۱	۲/۵	۲/۲	۲/۱	۲	۲/۲
۵	آذربایجان غربی	۵/۱	۴/۹	۴/۷	۴/۱	۳/۲	۳	۲/۸	۲/۶	۲/۳	۲/۷

ادامه جدول ۳

۱/۷	۲	۲	۲/۳	۲/۵	۲/۳	۳/۲	۳/۶	۳/۸	۴/۸	مرکزی	۶
۲/۲	۲/۱	۲/۴	۲/۸	۲/۷	۳	۳/۷	۴/۴	۵	۶/۱	چارمحال و بختیاری	۷
۲/۲	۲/۱	۲/۲	۲/۵	۲/۲	۲/۳	۳	۳/۱	۳/۵	۴	سمنان	۸
۲/۵	۲/۵	۲/۷	۳	۳/۱	۳/۵	۳/۷	۴/۱	۴/۶	۴/۹	خراسان	۹
۱/۴	۱/۷	۲	۱/۹	۲	۲/۱	۲/۵	۲/۸	۳/۳	۳/۴	گیلان	۱۰
۲/۵	۲/۳	۲/۴	۲/۶	۲/۷	۳	۳/۳	۳/۹	۴	۳/۴	قم	۱۱
۱/۹	۱/۹	۲/۲	۱/۹	۲/۷	۳/۲	۳/۴	۴/۳	۴/۵	۵/۱	همدان	۱۲
۱/۸	۲	۲/۱	۲	۲/۴	۲/۸	۳/۱	۳/۷	۴	۴/۷	فارس	۱۳
۲	۲/۱	۲/۴	۲/۵	۳/۲	۳/۱	۳/۹	۴/۶	۴/۹	۴/۹	زنجان	۱۴
۱/۸	۱/۷	۱/۸	۱/۸	۱/۸	۱/۹	۲/۴	۲/۶	۳	۳/۴	مازندران	۱۵
۱/۹	۲/۱	۲/۳	۲/۷	۳	۳/۶	۴/۵	۴/۸	۵	۵/۱	کردستان	۱۶
۲	۲/۲	۲/۲	۲/۷	۲/۸	۳/۴	۴/۱	۴/۵	۴/۹	۵/۵	اردبیل	۱۷
۲/۴	۲/۴	۲/۸	۳/۱	۳/۱	۳/۴	۴/۲	۴/۴	۴/۷	۵/۴	کرمان	۱۸
۲/۸	۲/۸	۲/۸	۳/۴	۳/۵	۴/۲	۴/۴	۵/۳	۵/۲	۶/۵	خوزستان	۱۹
۱/۹	۲	۲	۲/۵	۲/۴	۳/۳	۳/۷	۳/۸	۱/۶	۵/۳	کرمانشاه	۲۰
۲/۳	۲/۴	۲/۲	۲/۵	۳	۳/۲	۳/۳	۴/۲	۵	۵/۳	بوشهر	۲۱
۲/۳	۲/۷	۲/۶	۲/۷	۳	۱/۲	۴/۴	۵/۱	۵/۹	۶/۷	کهگیلویه	۲۲
۲/۷	۳/۲	۳/۳	۳/۶	۴	۴/۱	۴/۷	۴/۹	۵/۹	۶/۳	هرمزگان	۲۳
۲	۲/۳	۲/۱	۲/۹	۲/۴	۳/۵	۴/۴	۴/۱	۵/۳	۵/۹	لرستان	۲۴
۲	۲	۲/۲	۲/۶	۳	۳/۸	۴	۴/۷	۵/۶	۶/۱	ایلام	۲۵
۴/۲	۵	۴/۸	۵/۱	۵/۳	۶	۶/۶	۷/۲	۷/۳	۸/۳	سیستان و بلوچستان	۲۶

(Abbasi-Shovazi, M.J. 2000)

براساس داده‌های جدول ۳ میزان باروری کل در بین سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ به طور فاحشی بدون استثنا، در تمامی استانهای کشور کاهش یافته است. همچنین نتایج باروری

مذکور نشان می‌دهد که استان سیستان و بلوچستان با داشتن میزان کل باروری  $4/2$ ، بیشتر میان باروری را در کشور داراست و بعد از آن استانهای چون خوزستان، بوشهر، کهگیلویه و بویراحمد ( $2/3$ ) بیشترین مقدار باروری کل را دارا هستند. استانهای تهران و گیلان نیز هر کدام با  $1/4$  و استان اصفهان و استان مرکزی با  $1/7$  کمترین میزان باروری را دارند.

همان طور که داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد، بیشترین میزان باروری در استانهای مشاهده می‌شود که معمولاً نسبت به استانهای دیگر محروم و توسعه کمتری دارند و استانهایی که باروری پایینی دارند، جزء استانهای برخوردار کشور به حساب می‌آیند. همچنین داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که میزان باروری در نقاط روستایی کشور از نقاط شهری آن بیشتر است؛ به عبارتی اگر سال ۲۰۰۰ را در نظر بگیریم در این سال تعداد کودک برای هر زن روستایی  $2/4$  بوده در حالی که در همین سال تعداد بچه برای هر زن شهری  $1/8$  بوده است. پس اگر این امر را در ارتباط با رشد باروری استانی جدول ۲ در هم ادغام کنیم ملاحظه می‌شود که در ارتباط با استانها هم سهم روستاهای استان از میزان یاد شده بیشتر و سهم مناطق شهر از میزانهای مذکور کمتر است.

### ۳-۳ ضریب بندی استانهای کشور بر حسب میزان توسعه یافتگی

امروزه توسعه یافتگی و شاخصهای توسعه انسانی و اقتصادی و اجتماعی از مهم‌ترین فراگیرترین ملاکهای ارزیابی میزان برخورداری و محرومیت مناطق یک کشور یا جهان است؛ به عبارتی میزان توسعه یافتگی کشورها و مناطق، میزان و کیفیت زندگی مردمان آن مناطق را نشان می‌دهد.

توسعه یکی از مفاهیم پربار و ارزشی است که با رشد اقتصادی - که یک مفهوم کمی است - تفاوت اساسی دارد. این نوع نگرش باعث شده که در میان انواع رویکردهای مختلف به مفهوم توسعه، دو رویکرد از برجستگی خاصی برخوردار باشد. یکی رویکرد اقتصادی که سیستمهای اقتصادی را ملاک توسعه یافتگی می‌داند و به

شاخصهای کمی و مجموعه تولیدات و درآمدهای یک کشور یا یک منطقه توجه می‌کند و دیگری رویکردی اجتماعی که به جای کمیت، با کیفیت زندگی انسانهای یک منطقه سروکار داشته، نقش باورها و نگرشهای افراد جامعه را در بهبود شاخصهای آن مورد تأکید قرار می‌دهد.

در این مقاله استانهای کشور، هم بر پایه شاخصهای توسعه اقتصادی (میزان اشتغال، میزان اشتغال صنعتی، نسبت وابستگی، میزان باسوادی شاغلان، درآمد و...) و هم براساس شاخصهای توسعه اجتماعی همچون میزان شهرنشینی، باسوادی، سهم اشتغال زنان از کار اشتغال، میزان باسوادی زنان، دانش‌آموختگان در مراکز آموزش عالی نسبت به کل جمعیت، ضریب‌بندی و رتبه‌بندی گردیده‌اند و نهایتاً رتبه هر استان برحسب توسعه اقتصادی و اجتماعی آن مشخص شده است.

در حالی که ضریب توسعه اقتصادی - اجتماعی برای استان تهران ۰/۸۱۶ محاسبه شده است این رقم برای استان سیستان و بلوچستان برابر ۰/۰۹۳- به دست آمده است و این امر نشان‌دهنده نابرابری توسعه اقتصادی و اجتماعی در بین استانهای کشور شده است.

#### ۳-۴) رابطه میزان باروری با ضریب توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی و اجتماعی

برای تبیین رابطه موجود بین میزان باروری کل و توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی با توجه به سطوح اندازه‌گیری متغیرها که در سطح فاصله‌ای می‌باشند از آزمون همبستگی I پیرسون استفاده گردید، نتایج آزمون نشان می‌دهد که سطح معنی‌دار به دست آمده برای آزمون رابطه بین توسعه اقتصادی و میزان باروری کل،  $\text{Sig} = ۰/۰۰۷$  است که کمتر از آلفای ۰/۰۵ می‌باشد؛ یعنی رابطه معنی‌دار وجود دارد و شدت همبستگی نیز ۰/۵۲- می‌باشد. سطح معنی‌دار به دست آمده برای آزمون رابطه میزان باروری و توسعه اجتماعی  $\text{Sig} = ۰/۰۰۱$ ، رابطه بین میزان باروری با توسعه اقتصادی و اجتماعی  $\text{Sig} = ۰/۰۰۱$  می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه معنی‌دار بین متغیرهای یاد شده است.

ضرایب همبستگی هم برای آزمونهای ذکر شده، به ترتیب ۰/۵۹- و ۰/۶ می باشد. از نتایج به دست آمده می توان چنین استنباط کرد که اولاً بین میزان باروری کل و توسعه اقتصادی و اجتماعی استانها رابطه معنی دار وجود دارد. ثانیاً در هر سه مورد، جهت همبستگی منفی یا معکوس می باشد؛ یعنی با بالا رفتن میزان توسعه یافتگی مناطق، از تعداد فرزندان برای هر زن در آن منطقه کاسته می شود؛ به عبارتی با بالا رفتن میزان توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی و به موازات بهبود وضعیت زندگی، خانواده ها تمایل کمتری به داشتن فرزند دارند. و نیز میزان یا شدت رابطه در هر سه آزمون، متوسط به بالا می باشد. جدول ۴ نتایج این آزمونها را نشان می دهد.

جدول ۴: نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین میزان باروری با ضرایب

توسعه

متغیر وابسته / متغیرهای مستقل	میزان باروری استانها
توسعه اقتصادی	سطح معنی داری = ۰/۰۷ ضریب همبستگی = ۰/۵۱۸- تعداد مشاهدات = ۲۶
توسعه اجتماعی	سطح معنی داری = ۰/۰۱ ضریب همبستگی = ۰/۵۹۱- تعداد مشاهدات = ۲۶
توسعه اقتصادی و اجتماعی	سطح معنی داری = ۰/۰۱ ضریب همبستگی = ۰/۵۹۶- تعداد مشاهدات = ۲۶

#### ۴) بحث و نتیجه گیری

یافته های این پژوهش نشان می دهد که در سطح جهان و نیز در استانهای مختلف کشورمان یک رابطه معکوس بین میزان زاد و ولد و برخورداری یا محرومیت آنها از

درجه رفاه و توسعه مورد نیاز وجود دارد؛ یعنی در مناطق محروم، زاد و ولد و میزان باروری بالاست و به موازات دسترسی به رفاه و توسعه مورد نظر، از میزان باروری آنان کاسته می‌شود. جدول ۳ این مقاله مطالب یادشده را به خوبی تأیید می‌کند: در حالی که در استانهای برخوردار از توسعه همچون استان تهران و اصفهان، میزان باروری کل به ترتیب برابر ۱/۴ و ۱/۷ کودک می‌باشد این میزان در ارقام استانهای محروم مانند سیستان و بلوچستان و هرمزگان به ترتیب ۴/۲ و ۲/۷ کودک گزارش شده است.

آمار و ارقام ارائه شده در این نوشتار بیانگر این واقعیت است که در سالهای اخیر رشد جمعیت در تمامی مناطق شهری و روستایی، پیشرفته یا در حال پیشرفت، کاهش محسوسی یافته است. قسمتی از این تغییرات جمعیتی می‌تواند با توجه به نظریه نوگرایی و تحولات اجتماعی و فرهنگی که اتفاق افتاده است تبیین گردد. همان گونه که در چارچوب نظری ملاحظه شد، پیشرفت و توسعه و رشد تکنولوژی بر زندگی مردم حتی در زمینه‌های ارزشی و عاطفی تأثیر گذاشته و این امر به صورت عاملی در جهت کاهش میزان باروری عمل کرده است. به دیگر بیان، تغییر نگرش اجتماعی و فرهنگی نسبت به مسئله تحصیل زنان و منزلت اجتماعی آنان باعث شده که زنان سالهای بیشتری را صرف تحصیل کرده، سن ازدواج را عقب برانند و در نتیجه این امر، موجب کاهش قابل ملاحظه سطح باروری شده است. از سوی دیگر، اشتغال زنان در خارج از خانه و رشد قابل توجه شهرنشینی و اجبار افراد در زندگی در آپارتمانهای کم‌مساحت، تأثیر منفی در میزان زاد و ولد خانواده‌ها گذاشته است. نگاه به آمار و ارقام، شمار فزاینده دانشجویان دختر در دانشگاهها و مؤسسات عالی آموزش کشور، مهر تأیید بر یافته‌های این پژوهش می‌گذارد.

براساس نظریه رفتار مصرف‌کننده و اقتصاد باروری خانواده، فرد اقتصادی در زمینه بچه‌دار شدن نیز به دنبال معقول‌سازی رفتار اقتصادی است و از این دیدگاه (هزینه - بازده)، عامل اصلی در تصمیم‌گیری برای فرزندآوری است (تواناییان فرد، ۱۳۶۸). به ویژه در جوامع فقیر و محروم، فرزندان تا اندازه‌ای یک کالای سرمایه‌گذاری اقتصادی



به حساب می‌آیند چرا که از طریق کار کودکان یک بازده و سود مورد انتظار نصیب والدین آنها می‌شود و هنگامی که والدین به سن بازنشستگی و از کارافتادگی می‌رسند این فرزندان که اینک بزرگ شده‌اند به عنوان منابع مالی می‌توانند به آنها کمک نمایند. در واقع، فرزندان خانواده‌های فقیر و آسیب‌پذیر به ویژه اولاد ذکور، عصای پیری یا به عبارتی تأمین اجتماعی والدین خود به شمار می‌آیند و این مسئله یکی از علل مهم زاد و ولد بی‌رویه در مناطق محروم کشور محسوب می‌گردد. تعمیم تأمین اجتماعی و توسعه کمکهای دولتی به خانواده‌های آسیب‌پذیر جامعه خاصه در مناطق روستایی، می‌تواند کمک بزرگی در تعدیل میزان زاد و ولد در این گونه جوامع گردد.

اگر در جوامع غربی و یا در مناطقی از جهان شاهد کاهش میزان باروری هستیم به خاطر این است که فرزندان خانواده‌ها از موقعیت تولیدکننده به عناصر مصرف‌کننده تبدیل شده‌اند و خانواده‌ها ترجیح می‌دهند که شمار مصرف‌کننده را کم نمایند. در مناطق روستایی و محروم هنوز هم کودک به عنوان تولیدکننده در نظر گرفته می‌شود و خانواده‌ها سعی در افزایش تعداد تولیدکننده می‌کنند و به طرق مختلف از کار و زحمات کودکان بهره‌برداری می‌نمایند. با گسترش بیمه‌های اجتماعی و اعطای حقوق بازنشستگی به قشرهای محروم جامعه، برنامه‌های تنظیم خانواده با موفقیت قرین خواهد کرد.

- اکتایی، رزیتا. (۱۳۸۴)، کاهش باروری در ایران و عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن با تأکید بر نقش تنظیم خانواده در سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان.
- تأمین، ملوین. (۱۳۷۹)، *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابریهای اجتماعی*، (عبدالحسین نیک‌گهر)، تهران، توتیا.
- تواناییان فرد، حسن. (۱۳۶۸)، *اقتصاد جمعیت*، تهران، انتشارات فریخ.
- رسولی، رضا. (۱۳۸۲)، «حاشیه‌نشینی و تنظیم خانواده»، *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۳-۴۴، بهار و تابستان.
- رشیدی، ابراهیم. «بررسی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهقان استان اصفهان»، *فصلنامه جمعیت*، سال هشتم، شماره ۳۳-۳۴، پاییز و زمستان.
- کتابی، احمد. (۱۳۸۳)، «جهان در معرض دگرگونی بسی عظیم، نگاهی به تاریخ جمعیت جهان طی قرن گذشته و نیم قرن آینده» *فصلنامه جمعیت*، شماره ۴۹ و ۵۰، پاییز و زمستان.
- Abbasi-Shovazi, Mohammad Jalal. Mcdonald, Peter. (2005), **National and Provincial Level Fertility-Trend in Iran**, *Demography*, No. 94, February.
- Charle, Edwin. (1983), *Microeconomics of Developing Country*, Mc Graw-Hill.
- Tarmann, Allison. (2000), **Iran Achives Replacement-Level Fertility** available at: <[www.prb.org/template](http://www.prb.org/template)>